

ادامه از صفحه اول

انگیزه‌های رفراندوم در اقلیم

...اما تحت تأثیر و تحریک مشاوران، مسئولان اقلیم یک طرفه این توافق را بهم زدند.بعد تحت تأثیر و تحریک لابی‌گران و مشاوران صهیونیست، پشیمان شده بود.

۳- شرایط اقتصادی، نابسامانی در وصول درآمد حاصل از فروش نفت و فساد اداری حاکم در کردستان عراق، شرایط نامساعدی را به‌وجود آورده بود که مسئولیت و پاسخ‌گویی تمامی این حوزه‌ها متوجه رئیس اقلیم کردستان عراق بود؛ درحالی‌که چنین آمادگی‌ای از جانب ایشان وجود نداشت و خصوصا اینکه تعدادی از اعضای خانواده او نیز متهم به فساد مالی بودند. در چنین شرایطی رفراندوم اگر هم نمی‌توانست راهکاری مناسب و به‌موقع برای استقلال کردستان عراق باشد، حداقل می‌توانست برای سرویش‌نهادن بسر مشکلات و سوء‌مدیریت اجرایی در اقلیم کردستان، ابزاری مناسب و به‌موقع باشد. باید به این شرایط، وضعیت نامناسب عمران، بهداشت، آموزش، اشتغال و سایر شاخص‌های توسعه را در کردستان اضافه کرد که این محرومیت‌های مشهود و ملموس، زمینه خواست استقلال را در بین کردها تشدید کرده بود؛ خصوصا اینکه مردم تصورشان این بود که با استقلال، می‌توان همه این کمبودها را برطرف کرد، غافل از اینکه این اقدام در چنین زمانی آن‌هم با حمایت رژیم صهیونیستی، نه‌تنها مرهمی بر دردها نخواهد بود بلکه کمبودها، نارسایی‌ها و زخم‌های موجود را عمق و وسعت بیشتری خواهد بخشید.

۴- تبدیل‌شدن به چهره‌ای «کارزیماتیک» در رهبری اقلیم یکی دیگر از انگیزه‌ها و دلایل پیگیری رفراندوم سنجیده و بی‌موقع در کردستان عراق بود. اصولا چهره‌هایی که برچم کردستان را برافراشته‌اند و مدعی تشکیل دولت کُردی یا خودمختاری شده‌اند، در اذهان عمومی کُردها به چهره‌هایی کارزیماتیک، تاریخی و ماندگار تبدیل شده‌اند. مسعود بارزانی نیز این واقعیت را به نیکی می‌دانست و با روان‌شناسی اجتماعی کردها کاملا مانوس و آشنا بود. جذابیت این «کارزیمات»شدن از یک طرف و نگاه نزدیکن ایشان به درآمدهای بی‌حساب و کتاب نفت اقلیم از طرف دیگر، منجر به این شد که منافع و مطالبات مردم کُرد در عراق بیش از پیش هدر رفته و پامال شود.

۵- احساسات درونی از یک طرف و تحریکات بیرونی و تصمیم‌سازی‌های مودیانه از جانب رژیم صهیونیستی از طرف دیگر، باعث شد سران تصمیم‌گیر اقلیم در محاسبات خود دچار اشتباه شوند و گول لابی‌گری آنها را بخورند. صهیونیست‌ها به سران اقلیم وعده داده بودند که در ادامه رفراندوم برای استقلال کردستان، با اجماع بین‌المللی و حمایت جهانی را فراهم خواهند کرد یا حداقل، حمایت آمریکا را جلب می‌کنند.

با چنین انگیزه‌ها و تحریکاتی، رفراندوم برای استقلال کردستان عراق شکل گرفت که امروز بعد از گذشت یک ماه و اندی کردها و سران اقلیم به جایی رسیده‌اند که حسرت شرایط قبل از رفراندوم را می‌خورند.

خبر

پرداخت سپرده‌های ۲ میلیارد ریالی مؤسسه فرشتگان

● شورای پول و اعتبار در هزار و دویست‌وچهلمین نشست خود از آغاز پرداخت سپرده‌های تعاونی منحل‌شده فرشتگان تا مبلغ ۲ میلیارد ریال از ده آبان در پی موافقت رئیس قوه قضائیه خبر داد. به گزارش تارنمای بانک مرکزی، در نشست روز گذشته آخرین وضعیت تعاونی‌های غیرمجاز فرشتگان، افضل توس، وحدت، البرز ایرانیان و ثامن‌الجبع، به استحضار اعضای شورای پول و اعتبار رسید. همچنین گزارش بانک مرکزی درباره پرداخت بیش از نیم‌میلیون فقره وام ازدواج در قالب طرح ضربتی ارائه شد. تسهیل و تسریع در پرداخت وام قرض‌الحسنه ازدواج و پرداخت بیش از ۵۲۰ هزار فقره وام ازدواج در دو و نیم ماه از نتایج اجرای این طرح اعلام شد. بانک مرکزی اعلام کرد کاهش افراد متقاضی در صف از ۵۰۰ هزار نفر در پیش از آغاز طرح (اول مرداد امسال) به ۱۳۰هزار نفر تا یازدهم مهرماه از دیگر نتایج این طرح بود. البته برای ۸۰ هزار نفر از متقاضیان، تعیین شعبه شده است و در مرحله تکمیل مدارک قرار دارند. از سوی دیگر، به‌طور تقریبی همه متقاضیان پیش از تیرماه امسال تعیین تکلیف شدند. با اجرای این طرح و تسهیل در امور مربوط به اخذ ضامن و تسریع فرآیندهای اجرایی مانند کاهش مدت تکمیل مدارک از سوی متقاضیان از دو ماه به یک ماه، مدت‌زمان انتظار از میانگین هشت ماه به کمتر از دو ماه رسید. در این طرح اولویت با پرداخت وام به متقاضیان استان‌های محروم و کم‌برخوردار بود؛ به‌طوری‌که میزان و تعداد پرداختی در این مناطق نسبت به زمان مشابه پیش از اجرای طرح سه برابر افزایش یافت. رئیس کل بانک مرکزی نیز به تازگی از آغاز پرداخت تا سقف ۲۰۰ میلیون تومان به سپرده‌گذاران کاسبین در آینده نزدیک خبر داد و اعلام کرد: اولویت بعدی پس از پرداخت سپرده‌ها تا سقف یادشده، شناسایی اموال و دارایی‌هاست.

ارمغان جوادنیا: شهردار اسبق تهران هنوز بر کرسی ریاست‌جمهوری ننشسته، شروع به سفر کرد اما دیدوبازدیدش از استان‌ها خالی از هزینه نبود؛ در هر سفر، فهرستی از پروژه‌ها به امضا می‌رسید و کلنگ بسیاری از آنها بر زمین زده می‌شد تا بر عدالت‌محوری دولت بیش از پیش تاکید شود. این تعهدات در هشت سال و وقتی دولت به حسن روحانی تحویل داده شد، از ۷۰ هزار پروژه نیز گذشت؛ پروژه‌هایی که برای اتمام آنها به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است. وقتی این عدد را با اعتبار تخصیص‌یافته سالانه برای پروژه‌های عمرانی مقایسه می‌کنیم که هیچ‌گاه بیشتر از ۵۰ هزار میلیارد تومان نبوده است، این واقعیت تلخ را رونمایی می‌کند که دست‌کم برای اتمام همه این پروژه‌های به‌جامانده به ۱۰ سال زمان نیاز است.

از سوی دیگر، دولت هر روز فربه‌تر می‌شود و هزینه‌هایش بالا و بالاتر می‌رود؛ آن‌قدر که هر سال وقتی بودجه تخصیص داده می‌شود، سر پروژه‌های عمرانی بی‌کلاه می‌ماند؛ طوری‌که بودجه عمرانی فدای هزینه‌های بالای دولت می‌شود و اینجاست که همه فشارها به سمت پروژه‌های عمرانی می‌رود و نیمه‌تمام‌ها به‌جای تمام‌شدن، در جای‌جای کشور خاک می‌خورند و هزینه تأخیرشان بر اقتصاد تحمیل می‌شود. هرچند در چهار سال گذشته، دولت تلاش کرد تکلیف این پروژه‌ها را مشخص کند؛ اما آن‌طور که باید و شاید، موفق نشد؛ حتی در واگذاری به بخش خصوصی هم ناکام ماند. کارشناسان دلایل متعددی را در این ناکامی ذکر می‌کنند که یکی از آنها، ضعف نظارت و افزایش تعهدات دولت به دلیل نفوذ نمایندگان مجلس است و دیگری کمبود منابع مالی و واگذار نکردن این پروژه‌ها به بخش خصوصی. فرهاد دژپست، رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه، نظر دیگری دارد و معتقد است کمبود منابع دولت صرفا بخش کوچکی از قضیه است. او در گفت‌وگویی که با «شرق» داشته، هرچند تأکید دارد که این طرح‌ها به‌سرعت واگذار نمی‌شود؛ چون بخش خصوصی حسابگر است، به تعداد پروژه‌های واگذارشده به بخش خصوصی اشاره می‌کند و می‌گوید: از زمستان ۹۴ تا مهر ۹۶، چهارهزارو ۲۰۰ پروژه به بخش خصوصی واگذار شده که تاکنون سابقه نداشته است. او این را هم اضافه می‌کند که

در دولت یازدهم، شروع طرح‌های تملک سرمایه‌ای به‌شدت کنترل شده و فقط کلنگ اجرای ۱۰ تا ۱۵ طرح جدید زمین خورده است. دژپستند که معاون سابق امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه بوده و به‌شدت حاضر به مصاحبه نمی‌شود. این توضیح را نیز می‌دهد که تعلل در اجرای طرح‌های نیمه‌تمام، ۱۶۰ هزار میلیارد تومان بار مالی دارد. او همچنین در این گفت‌وگو وضعیت پروژه‌های عمرانی و دلایل نیمه‌تمام‌مندن آنها را تشریح می‌کند که می‌خوانید.

بار مالی ۵۰۰ هزار میلیاردی کلنگ‌زنی‌های احمدی‌نژاد

دژپسند در گفت‌وگو با «شرق»: ۴ هزار پروژه عمرانی، خصوصی شد



❧ معضل پروژه‌های نیمه‌تمام و به‌جامانده از سال‌های گذشته و از سوی دیگر ناتوانی دولت برای اتمام آنها، آن‌قدر بزرگ می‌نمود که سال گذشته سازمان برنامه اعلام کرد دولت حتی یک ریال هم از این پروژه‌ها سود نمی‌خواهد و قصد دارد تمام‌وکمال این پروژه‌ها را واگذار کند. هرچند پیش از این اعلام رسمی که از سوی آقای نوینخت در جمع استانداران صورت گرفت، بحث واگذاری وجود داشت؛ اما در واگذارکردن این طرح‌ها به بخش خصوصی توفیقی حاصل نشده بود. با توجه به اینکه از سال گذشته استانداران هم وارد جریان واگذاری شده‌اند، توانسته‌ایم موفقیتی در واگذاری داشته باشیم؟

سؤال شما با یک پیش‌فرض مطرح شده؛ بنابراین لازم است پاسخ آن را در دو قسمت ارائه کنم. اول اینکه دلایل متعددی برای واگذاری پروژه‌ها وجود داشته و دارد و کمبود منابع دولت صرفا مربوط به بخش کوچکی از آن است. برای مثال، اهداف عمده‌ای شامل کاهش تصدی‌گری دولت و رقابت‌نداشتن با بخش خصوصی در ارائه خدمات ارتقای کیفیت طرح‌های زیرساختی، ارتقای بهره‌وری و صرفه‌جویی در منابع و کاهش پهای تمام‌شده خدمات، تغییر نقش دولت از سرمایه‌گذاری، اجرا و بهره‌برداری در پروژه‌های زیرساختی به سیاست‌گذار و تنظیم‌کننده مقررات و ناظر بر کیفیت و کمیت ارائه خدمات، انتقال بهینه ریسک، تمرکز بر ارائه خدمات و ایجادکردن پروژه‌ها با بازدهی پایین اقتصادی و اجتماعی اجرای یکی از رویکردهای اقتصاد مقاومتی (مردمی‌کردن اقتصاد) و امثال آن نیز مدنظر قرار داشته است.

اما در بخش دوم سؤال، زمانی که حسن روحانی دولت یازدهم را تحویل گرفت، دوهزارو ۹۰۶ طرح

اقتصاد

بار مالی ۵۰۰ هزار میلیاردی کلنگ‌زنی‌های احمدی‌نژاد

باشد، نیمه‌تمام است و وقتی تمام می‌شود در دست بهره‌برداري است. همان‌طور که عرض کردم حدود ۷۰ هزار پروژه عمرانی داریم که حدود ۲۹ هزار پروژه احداثی است و بقیه آنها از قبیل تعمیر و تجهیز و مطالعاتی است.

❧ می‌توانید تعداد پروژه‌هایی که در چهارساله اول دولت روحانی پایان یافته است را بیان کنید؟
اگر پروژه‌های ملی و استانی را حساب کنیم، بالغ بر ۷۰ هزار پروژه عمرانی وجود دارد که در سال‌های ۹۲ تا ۹۵، ۵۶۷ طرح و حدود هزارو ۱۰۰ پروژه خاتمه یافته است. همان‌طور که اشاره شد این پروژه‌ها تعریف دارد؛ برخی از آنها در دست تعمیر و تکمیل است و بخشی دنباله‌دار است یعنی خاتمه پیدا نکرده و برخی دیگر مطالعاتی است.

❧ برای اتمام طرح‌های عمرانی چقدر اعتبار لازم است؟

برآوردها به زودی نهایی می‌شود اما برآوردهای اولیه و مقدماتی نشان می‌دهد که برای اتمام این طرح‌ها حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است. البته نمی‌شود دقیقا برآورد کرد چراکه فاز دوم برخی پروژه‌ها هنوز اجرایی نشده است.

❧ تأخیر در اجرای این پروژه‌ها چقدر برای کشور هزینه ایجاد کرده است؟

وقتی منابع مالی کمی داریم و منابع کافی در زمان لازم اختصاص نیابد، قطعاً زمان اجرای پروژه در دست اجرا طولانی می‌شود. مضافا اینکه با توجه به عوامل مختلف از جمله تورم هزینه‌ها افزایش می‌یابد. مثلا اگر سال ۹۲ تخمیناً موردنظر برای اتمام پروژه‌ها ۳۴۰ هزار میلیارد تومان بود، اکنون به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. بنابراین می‌توان گفت هزینه ناشی از افزایش تورم و هزینه‌های تأخیر در پروژه‌ها تا ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار میلیارد تومان است. به عبارت دیگر می‌توان گفت یک‌سوم از منابع موردنیاز اتمام پروژه‌ها، هزینه تأخیر اجرای پروژه‌هاست. البته آنها که به‌موقع تمام می‌شود، هزینه تأخیر ندارد.

❧ در گذشته با وجود ازدیاد پروژه‌های کلنگ‌زده‌شده باز هم با فشار برخی نهادها چون مجلس بر تعداد این پروژه‌ها اضافه می‌شد. آیا در دولت یازدهم بر تعداد طرح‌ها افزوده شده است؟

خوشبختانه دولت یازدهم تلاش کرد شروع طرح‌های تملک سرمایه‌ای را به شدت کنترل کند و در این زمینه هم موفقیت‌های قابل‌توجهی به‌دست آورد. به‌گونه‌ای که در دولت یازدهم فقط ۱۰ تا ۱۵ طرح جدید شروع شد. یعنی در دولت روحانی انضباط زیادی ایجاد شد. بنابراین اگر در چهار سال دوم هم این‌گونه عمل کند، می‌تواند مورد تشویق قرار گیرد. در واقع می‌توان گفت دولت روحانی در شروع طرح‌های عمرانی بسیار خوب عمل کرده است.

دولت زیر بار تحمیل هیچ پروژه‌های از سوی مجلس نرود

آلمان که تجربه موفق‌ی بود؛ عمل شود. خیلی از کارخانجات صنعتی با قیمت یک دلار به بخش خصوصی واقعی واگذار شد و بخش خصوصی این کارها را به ثمر رساند. پروژه‌های عمرانی نباید به نهادهای عمومی مثل سازمان سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی یا بانک‌ها واگذار شود، چون این بخش‌ها متخصص این کار نیستند. بلکه باید به بخش خصوصی واگذار شود و قوه قضائیه از حقوق بخش خصوصی دفاع کند. همچنین بین نگاه‌های اقتصادی رقابت ایجاد شود و انحصار در بخش‌های دولتی و بخش خصوصی وجود نداشته باشد، چراکه مثل سئ هم برای اقتصاد خطرناک است. دولت باید پروژه‌های عمرانی را کوچک کند و به دنبال زیربناها برود و از طریق فاینانس و منابع داخلی و خارجی آنها را به سرانجام برساند. هر چقدر دولت کوچک‌تر و بودجه دولت کمتر شود، فساد در اقتصاد ایران هم کمتر می‌شود. این درحالی است که دولت روزبه‌روز فربه‌تر می‌شود. باید ثبات اقتصادی را به اقتصاد ایران بازگردانیم. آنچه اقتصاد ایران در سال‌های اخیر از آن رنج می‌برد، بی‌انضباطی اقتصادی است.

بنابراین اگر بودجه‌های عمرانی در بخش زیربنایی صرف شود، از بخش خصوصی واقعی دفاع کنیم، خصولتی‌ها را محدود کنیم و مالیات از آنها بگیریم که بزرگ‌تر نشوند و در بازار بورس سرمایه‌گذاری کنند به نفع اقتصاد است. باید سعی کنیم پروژه‌های عمرانی را سریع بسازیم. فرودگاه امام خمینی ۳۰ سال طول کشید تا ساخته شود، در حالی که فرودگاه کوالالامپور مالزی که ظرفیت مسافرش سه برابر فرودگاه امام خمینی است، پنج‌ساله ساخته شده، چون سیستم مدیریتی که بر اقتصاد مالزی حاکم است، مدیریت بخردانه‌ای بوده است، وقتی پروژه‌ای به بهره‌برداری نرسیده یعنی بخشی از پولی که خرج کردیم، حیف شده است. این پروژه‌ها باید اولویت‌بندی شوند. مکان‌یابی پروژه باید براساس اصول کارشناسی باشد. اگر توجیه اقتصادی نداشت، شروع نشود. پیشنهاد می‌شود دولت پروژه‌های عمرانی را با قیمت یک ریال برای همیشه به بخش خصوصی واقعی واگذار کند.

عمرانی وجود داشت. البته باید توجه داشت که عنوان طرح کافی به مقصود نیست؛ به‌طوری‌که برخی طرح‌های عمرانی متشکل از یک یا چندین پروژه بزرگ است که برخی از همین پروژه‌ها از نظر حجم به‌مثابه یک طرح بزرگ تلقی می‌شوند. برای مثال، احداث ۳۰ کانون فرهنگی ممکن است یک طرح محسوب شده باشد، درحالی‌که باید آن را ۳۰ طرح به حساب بیاوریم. حال اگر جمع این پروژه‌های ملی و استانی را حساب کنیم، به‌طورکلی در کشور بالغ بر ۷۰ هزار پروژه وجود دارد که کمتر از نصف آن یعنی حدود ۲۹ هزار پروژه، احداثی است که از زمستان ۹۴ تا مهر ۹۶، چهارهزارو ۲۰۰ پروژه به بخش خصوصی واگذار شده که تاکنون سابقه نداشته است.

❧ این عدد حدود هشت درصد از کل پروژه‌های نیمه‌تمام است. آیا می‌توان از آن به‌عنوان موفقیت در واگذاری یاد کرد؟

اولا نسبت به تعداد پروژه‌های احداثی ۱۴.۵ درصد است و ثانیا این طرح‌ها به‌سرعت واگذار نمی‌شود؛ چون بخش خصوصی حسابگر است و به خرید پروژه‌هایی اقدام می‌کند که سودآوری داشته باشد. مثلا بیمارستانی را که در فاصله زیاد و نامناسبی از شهر قرار گرفته، خریداری نمی‌کند؛ بلکه بیمارستانی در خریداری می‌کند که هم داخل شهر باشد و هم سودآور باشد. ثالثا زیرساخت حقوقی و انسانی این کار ایجاد شده و در اکثر نقاط کشور آموزش‌های لازم ارائه شده است. بنابراین امید می‌رود واگذاری در آینده با شتاب بیشتری صورت گیرد.

❧ چند درصد از پروژه‌ها نیمه‌تمام و چند درصد در دست بهره‌برداری است؟

وقتی از پروژه‌های عمرانی صحبت می‌کنیم، باید بدانیم که پروژه‌های عمرانی ما کلا نیمه‌تمام است. تا زمانی که این پروژه‌ها در دست احداث

مهدی پازوکی

اقتصاددان



براساس آخرین برآوردهای کارشناسی سازمان برنامه و بودجه، اعتبار پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی به قیمت سال ۹۴ بالغ بر ۴۰۰هزار میلیارد تومان و به قیمت سال ۹۶ بالغ بر ۵۰۰هزار میلیارد تومان و حتی بیشتر است. بنابراین با بودجه عمرانی که در سال‌های اخیر تخصیص داده شده، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حداقل ۲۰ سال طول می‌کشد تا این پروژه‌ها تکمیل شود. البته اگر با قیمت امسال در نظر بگیریم، تکمیل این پروژه‌ها حداقل ۲۵ سال طول خواهد کشید. البته به شرط اینکه پروژه جدیدی شروع نشود. این درحالی است که از کلنگ‌های دیگر از کارشناسان، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی حداقل ۳۰ سال طول می‌کشد. در تحقیقی که انجام دادم، اکثر نمایندگان کمسیون برنامه و بودجه به‌جز نمایندگان تهران پروژه‌های عمرانی را به سمت شهرستان خود سوق داده‌اند که در شرایط فعلی هیچ توجیهی به‌لحاظ کارشناسی ندارد. صدها پروژه از سوی آنها به دولت تحمیل شده و هزینه دولت را بالا برده است. بنابراین دولت نباید زیر تحمیل هیچ پروژه‌ای از سوی مجلس برود، چراکه خیلی از نمایندگان سیاسی فکر می‌کنند و این موجب شده خیلی از منابع پرت شود. مثلا ضرب اشتغال تخت بیمارستان ۵۰ درصد است، اما باز هم در آن شهر بیمارستان ساخته می‌شود. یا شهری نیاز به جاده دارد، اما جاده در آن ساخته نمی‌شود. این درحالی است که منابع بودجه کشور محدود است و باید بهینه تخصیص داده شود.

دولت باید بتواند با همکاری سایر قوا، مجلس و قوه قضائیه فضا را برای کسب‌وکار مناسب کند و پروژه‌ها را مجانی در اختیار بخش خصوصی قرار دهد. به شرط اینکه بخش خصوصی هدف این پروژه‌ها را تغییر ندهد. به‌عنوان مثال اگر قرار است بیمارستان ساخته شود، با هدف بیمارستان باشد نه اینکه تبدیل به مراکز تجاری شود. علاوه بر این به تجربه خصوصی‌سازی در

یادداشت

نکات و سؤالاتی درباره حادثه پالایشگاه تهران



علی رضایی

کارشناس ایمنی فرایند

مدرس صنعت و دانشگاه

● بیش از سه دهه است که صنایع ما در پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت کیفیت و ایمنی، رگوردهای جهانی را شکسته‌اند، اما، هرساله، شاهد حوادثی مشابه در زمان راه‌اندازی و تعمیرات و عموما در روزهای تعطیل بوده‌ایم و دیگر شکلی وجود ندارد که صرف استقرار سیستم‌های مدیریتی ایمنی، از وقوع حوادث فرایندی، جلوگیری نمی‌کند. وقتی مدیر یک شرکت تولیدی، تلاش می‌کند تا تعمیرات در سریع‌ترین زمان ممکن به اتمام برسد و واحد تعمیرشده، قبل از تکمیل و تجهیز به ابزارهای دقیق ایمنی، راه‌اندازی شود، درواقع می‌پذیرد که به روش سنتی عمل کرده و برای رسیدن به سطح تولید بالاتر و پرسودتر، به‌جای کنترل خطر، حوادثش را کنترل و مدیریت کند. با نگاهی به حوادث هفت سال اخیر، می‌توان دید که اکثر این حوادث، حاصل نشستی از ولو یا فلنج تجمع گاز، جرقه و وقوع آتش با انفجار بوده است. از سویی دیگر، سال‌هاست که فراگیرترین ابزار جلوگیری از این‌گونه حوادث، داشتن «سیستم مجوز کار گرم»، برای فاز تعمیرات و راه‌اندازی است هر دو حادثه پتروشیمی بوعلی و حادثه پالایشگاه تهران، در اثر عدم اجرای دقیق همین سیستم مجوز کار و عدم رعایت اقدامات ایمنی جانی، یعنی جداسازی با اینزولاسیون رخ داده است.وزارت نفت نیز، دستورالعمل‌های استاندارد و ایمنی را برای زمان‌های تعمیرات و راه‌اندازی واحدهای صنعتی، تهیه و منتشر کرده که تمامی مراحل لازم برای انجام مجوز، تخلیه‌کامل مواد سوختی، جداسازی کامل و اینز لوله‌ها و ظروف، برجسب و قفل، ارتباطات و هماهنگی‌های رادیویی و در آخر، الزامات برنامه‌های مدیریت حوادث و طرح‌ریزی برای شرایط اضطراری ... را تشریح و الزامی‌کرده است.باین‌همه در هفت سال اخیر، بیش از ۵۰ نفر در صنعت نفت و گاز، در حوادث فرایندی جان خود را از دست داده‌اند. هیت‌هایی برای تحقیق‌وتحقیص، تشکیل می‌شوند و گزارش این هیت‌ها، منجر به اخذ تصمیماتی احساسی و شتاب‌زده از سوی مدیران میانی می‌شود که همین تصمیمات نصفه‌نیمه نیز، با فروکش‌کردن موج حوادث، به دست فراموشی سپرده می‌شود. این روال جاری برخورد با حادثه ما کشور را شده و جالب است که در این میان، هیچ‌کس مسئولی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.پس از مدتی آرامش، هفته اول آبان‌ماه، مصادف با نصب و جابه‌جایی مدیران ارشد معاونت پخش و بالایش بود. در پالایشگاه تهران نیز، رؤسای اداره و تعمیرات و اداره عملیات، تغییر کردند. اولین دانشت بر صندلی مدیریت عامل، ارتقا پیدا کرد و دیگری، با ترک صندلی، همراه با سایر بازنشستگان نفت، به باشگاه بازنشستگان نفت پیوست. مدیرعامل همین پالایشگاه نیز، به قائم‌مقامی شرکت ملی پالایش و پخش منصوب شد. گفتنی است، دو جابه‌جایی اول، در بخش‌هایی رخ داده که متولی تعمیرات و راه‌اندازی مجدد پالایشگاه هسته‌ای پالایشگاهی که به‌خاطر نزدیکی به پایتخت، به‌عنوان مرجع و لیدر بحران‌های صنعتی تمامی واحدهای صنعتی محدوده جنوب تهران در نظر گرفته شده و به همین علت نیز دارای سابقه طولانی در تجهیز بزرگ‌ترین زمین آموزش آتش‌نشانی و آموزش‌های بین‌المللی و تجهیزات پیشرفته مقابله با حریق و سامانه ایمنی و مدیریت بحران و کنترل آلاینده‌هاست و وجود موارد بالا، وقوع حادثه‌ای با ابعاد حادثه عصر جمعه، سؤالاتی را به وجود آورده که پاسخ به آن، راهی به سوی روشن‌کردن زوایای پنهان این رویداد تلخ خواهد گشود:۱- انجام جابه‌جایی‌ها در تاپ‌چارت مدیریتی پالایشگاه در هفته اخیر، چگونه و چه میزان بر فرایند صدور صحبج و اصولی پریمت و امضاهای مجاز است؟ اثرگذار بوده است؟ ۲- الزامات وزارت نفت، در مورد پیاده‌سازی دو اصل مهم «ایمنی پیش راه‌اندازی» و «مدیریت تغییر» و لزوم رزبانی ریسک و کنترل آثار ناشی از هرگونه تغییرات انسانی، تجهیزاتی و فرایندی، به‌ویژه در فاز راه‌اندازی، چه میزان رعایت شده است؟ ۳- آیا نقرات حاضر در تعمیرات واحد آیزوماکس، آموزش‌های ایمنی و فنی لازم واحد را فراگرفته و با تجهیزات، مسیرها، خطوط انتقال و خطوط فرایندی واحد آیزوماکس، آشنایی کامل داشتند؟ ۴- آیا برخلاف بخشنامه وزارت نفت، انجام تعمیرات با راه‌اندازی و رفع اینزوله بین برج آیزوماکس و کوره مجاور، (با پلیوت روشن) در ساعات پایانی روز تعطیل جمعه لازم بود؟۵- آیا اصول مهم تخلیه مخازن و خطوط فرایندی و برج آن با هوا، قبل از انجام هرگونه تعمیرات، در واحد آیزوماکس رعایت شده بود؟۶- آیا برای کنترل دقیق عملکرد کارکنان، روش‌های کاری مکتوب و واضح وجود داشته و دستوراتی نظیر برداشتن فلنج کورکند و بازکردن مسیر، به صورت تیمی، از سورت گرفته به پرسنل منتقل می‌شد یا پرسنل به صورت جزیره‌ای عمل می‌کردند؟۷- آیا برای کار در ارتفاع، در یک واحد حاوی بنزین و در مجاورت یک کوره، سناریوی اضطراری نشست بنزین و وقوع حریق و انفجار، دیده شده و اقدامات پیشگیرانه و کنترلی لازم، در نظر گرفته شده بود؟۸- تیم مقابله با حریق، شرایط اضطراری (ERP) و مدیریت حوادث (ICS) و نقرات امداد و نجات و ماشین‌های آماده‌باش آتش‌نشانی که باید به‌عنوان بخشی از تیم خط مقدم، در نظر گرفته می‌شدند چگونه عمل کردند و نقش آتش‌نشانی شهری ناحیه باقرشهر، در این میان چیست؟